

مجموعه گزارش‌های "با ما بخوانید"

شماره ۲۳: چه کسی سود تجارت جهان را می‌برد؟

نگاهی به گزارش ۲۰۲۶ آنکتاد درباره تغییر قواعد رقابت و سهم ایران از ارزش آفرینی / ژئواکونومیک توسعه

❖ مقدمه: رشد تجارت، واگرایی توسعه

ممکن است بیشتر تولید کنیم، بیشتر صادر کنیم و همچنان سهم اندکی از سود نهایی محصول به دست آوریم. در اقتصاد امروز جهان، داشتن معدن، کارخانه یا بازار صادراتی به تنهایی تضمین نمی‌کند که بخش اصلی ارزش نصیب ما شود؛ جایگاهی که در زنجیره تولید داریم، فناوری و دانشی که در اختیار گرفته‌ایم و قدرتی که در تعیین شرایط معامله داریم، اهمیت تعیین‌کننده‌ای پیدا کرده است.

گزارش تجارت و توسعه ۲۰۲۶ آنکتاد از همین زاویه به تغییرات اقتصاد جهان نگاه می‌کند: چرا برخی کشورها از جابه‌جایی مسیرهای تجارت فرصت می‌سازند، اما برخی دیگر تأمین‌کننده مواد اولیه باقی می‌مانند؟ چرا رونق فناوری می‌تواند سودهای بزرگی ایجاد کند، بی‌آنکه منافع آن به همه تولیدکنندگان برسد؟ برای فعالان اقتصادی ایران و به‌ویژه اصفهان، این پرسش‌ها به تصمیم‌هایی ملموس گره می‌خورند: در کدام محصول و فناوری سرمایه‌گذاری کنیم، چگونه از فروش مواد اولیه به فعالیت‌های سودآورتر برسیم و با آب و انرژی محدود، ارزش بیشتری خلق کنیم؟ این گزارش کمک می‌کند فراتر از ارقام صادرات، ببینیم سهم واقعی ما از ثروتی که در تجارت جهان ساخته می‌شود، کجاست و چگونه می‌توان آن را افزایش داد.

به گزارش تجارت و توسعه ۲۰۲۶ آنکتاد^۱ با عنوان «ژئواکونومیک توسعه»، جهان با وجود تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی، جنگ در خاورمیانه و اختلال در مسیرهای تجاری، مقاومتی فراتر از انتظار نشان داده است؛ اما این پایداری، شکاف‌های عمیق توسعه را پنهان می‌کند. ارزش تجارت جهانی کالا و خدمات در سال ۲۰۲۵ به رکورد ۳۵ تریلیون دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود حجم واقعی تجارت در سال ۲۰۲۶ حدود ۴ درصد افزایش یابد. بالاین حال، رشد اقتصادی جهان از ۲.۹ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۲.۶ درصد در سال ۲۰۲۶ کاهش خواهد یافت. این روند نشان می‌دهد که گسترش تجارت جهانی لزوماً به معنای بهره‌مندی یکسان کشورها از فرصت‌های رشد و توسعه نیست.

^۱ UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development

❖ از جهانی شدن بازار محور تا ژئواکونومیک

مفهوم محوری گزارش، «ژئواکونومیک» است؛ وضعیتی که در آن دولت‌ها از ابزارهای اقتصادی، تجاری، مالی و فناورانه برای تحقق اهداف راهبردی و ژئوپلیتیکی استفاده می‌کنند. برخلاف الگوی جهانی شدن بازار محور که بر کارایی اقتصادی، کاهش هزینه‌ها و منافع متقابل تأکید داشت، در الگوی جدید، امنیت اقتصادی، رقابت راهبردی و قابلیت اعتماد شرکای تجاری اهمیت بیشتری یافته‌اند. در نتیجه، تصمیم‌گیری درباره محل تولید، سرمایه‌گذاری و انتخاب شرکای تجاری دیگر صرفاً تابع هزینه و بهره‌وری نیست، بلکه به ملاحظات امنیتی، موقعیت جغرافیایی و دسترسی پایدار به فناوری و نهاده‌ها نیز وابسته است. جدول ۱ مهم‌ترین تفاوت‌های این دو الگو را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های جهانی شدن بازار محور و الگوی ژئواکونومیک

مؤلفه	جهانی شدن بازار محور	الگوی ژئواکونومیک
منطق غالب	کارایی اقتصادی و منافع متقابل	رقابت راهبردی و امنیت اقتصادی
بازیگران و نقش دولت	نقش محوری بازارها و بنگاه‌ها	نقش پررنگ‌تر دولت‌ها و سیاست‌های اقتصادی
معیار مکان‌یابی تولید	هزینه و بهره‌وری	امنیت تأمین، جغرافیا و قابلیت اعتماد
قواعد تعامل تجاری	تأکید بر اصول چندجانبه و عدم تبعیض	گسترش ترتیبات بخشی و مبتنی بر شرکای منتخب

این تحول به معنای پایان جهانی شدن نیست، بلکه نشان‌دهنده تغییر قواعد و اولویت‌های آن است؛ تغییری که می‌تواند مسیرهای سنتی توسعه، از جمله صنعتی شدن صادرات محور و مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی را برای کشورهای در حال توسعه دشوارتر و نامطمئن‌تر سازد.

❖ بازآرایی تجارت جهانی؛ جابه‌جایی مسیرها به جای عقب‌نشینی تجارت

گزارش آنکتاد نشان می‌دهد که تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی به توقف تجارت جهانی منجر نشده، بلکه مسیرهای تجاری و شبکه‌های تولید را دگرگون کرده است. از سال ۲۰۲۴، تجارت میان چین و آمریکا بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته، در حالی که اقتصادهای آسیای شرقی توانسته‌اند روابط تجاری خود را به‌طور هم‌زمان با چین و آمریکای شمالی گسترش دهند. این کشورها با برخورداری از ظرفیت‌های صنعتی، زیرساخت‌های تولیدی و پیوندهای گسترده با زنجیره‌های تأمین جهانی، از جابه‌جایی سفارش‌ها و تغییر مسیر جریان‌های تجاری بهره‌مند شده‌اند. در مقابل، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که از توان صنعتی و فناورانه محدودتری برخوردارند، سهم کمتری از فرصت‌های ناشی از این تحولات به دست آورده‌اند.

بازآرایی تجارت جهانی، فرصت‌های یکسانی برای همه کشورهای در حال توسعه ایجاد نکرده است. درحالی‌که برخی اقتصادهای آسیایی از جابه‌جایی جریان‌های تجاری و گسترش پیوندهای تولیدی بهره‌مند شده‌اند، بسیاری از اقتصادهای دیگر نتوانسته‌اند به همان میزان از این تحولات منتفع شوند. این تفاوت نشان می‌دهد که بهره‌مندی از فرصت‌های جدید تجارت جهانی، بیش از صرف دسترسی به بازارها، به ظرفیت تولیدی، تنوع روابط تجاری و توانایی حضور در مراحل ارزش‌آفرین زنجیره‌های تولید وابسته است.

❖ آسیا؛ موتور رشد جهان، نه الگویی یکسان برای همه

بر اساس پیش‌بینی آنکتاد، آسیا در سال ۲۰۲۶ حدود ۵۹ درصد از رشد اقتصاد جهان را به خود اختصاص خواهد داد و همچنان مهم‌ترین پیشران رشد جهانی باقی می‌ماند. بااین‌حال، عملکرد اقتصادهای این منطقه یکسان نیست؛ به‌طوری‌که رشد اقتصادی ویتنام ۷.۸ درصد، هند ۷.۳ درصد، اندونزی ۵.۲ درصد و چین ۴.۵ درصد پیش‌بینی شده است. این تفاوت‌ها بیانگر ناهمگونی ظرفیت‌های رشد در منطقه‌ای است که بیشترین سهم را در افزایش تولید جهانی دارد.

تفاوت نرخ رشد این کشورها را باید در چارچوب ساختار اقتصادی، ظرفیت تولیدی، تقاضای داخلی و جایگاه متفاوت آن‌ها در زنجیره‌های ارزش جهانی تحلیل کرد. بااین‌حال، نرخ رشد بالاتر لزوماً به معنای برخورداری از سهم بیشتر در رشد جهانی نیست؛ زیرا اندازه اقتصاد نیز در میزان مشارکت کشورها در رشد جهانی تعیین‌کننده است.

دلالت برای ایران: رشد بالای برخی اقتصادهای آسیایی و بازآرایی روابط تجاری منطقه، فرصت‌هایی بالقوه برای توسعه صادرات ایران ایجاد می‌کند؛ اما بهره‌مندی از این فرصت‌ها صرفاً با نزدیکی جغرافیایی یا دسترسی به بازارهای پررشد تحقق نمی‌یابد. تنوع‌بخشی به بازارهای مقصد، ارتقای کیفیت و ارزش افزوده محصولات، تقویت زیرساخت‌های لجستیکی و تسهیل تأمین مالی و مبادلات تجاری، از الزامات افزایش حضور رقابتی بنگاه‌های ایرانی در بازارهای آسیایی است.

❖ سرمایه‌گذاری راهبردی؛ شکاف میان جذب سرمایه و تصاحب ارزش

تمرکز سرمایه‌گذاری در صنایع و فناوری‌های راهبردی می‌تواند شکاف توسعه میان کشورها را تشدید کند. بر اساس گزارش آنکتاد، در دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ حدود ۷۰ درصد ارزش پروژه‌های جدید سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های راهبردی، از جمله نیمه‌هادی‌ها و زیرساخت‌های هوش مصنوعی، به اقتصادهای توسعه‌یافته اختصاص یافته است. در مقابل، مشارکت بسیاری از کشورهای در حال توسعه در زنجیره‌های ارزش راهبردی عمدتاً به

استخراج و عرضه مواد معدنی حیاتی محدود می‌شود؛ فعالیت‌هایی که لزوماً سهم بالایی از ارزش افزوده مراحل پیشرفته تولید را نصیب کشورهای میزبان نمی‌کنند.

نمونه برجسته این نابرابری، زنجیره ارزش کبالت است. جمهوری دموکراتیک کنگو در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۳ درصد تولید معدنی کبالت جهان را به خود اختصاص داد، اما ۹۸.۷ درصد فعالیت تولید معدنی آن تحت کنترل شرکت‌های چندملیتی قرار داشت. این تفاوت میان سهم بالا در استخراج مواد اولیه و سهم محدود از ارزش زنجیره‌های تأمین، اهمیت جایگاه کشورها در مراحل مختلف تولید را آشکار می‌کند. هرچند حضور شرکت‌های چندملیتی می‌تواند با اشتغال، درآمد مالیاتی و انتقال دانش همراه باشد، میزان بهره‌مندی اقتصاد میزبان به عمق پیوند این فعالیت‌ها با صنایع داخلی، توسعه فرآوری و سهم ارزش افزوده محلی وابسته است. بنابراین، موفقیت سرمایه‌گذاری خارجی نباید صرفاً با حجم سرمایه ورودی سنجیده شود؛ بلکه میزان انتقال فناوری، توسعه تأمین‌کنندگان داخلی و ارزش افزوده ایجادشده در اقتصاد میزبان نیز باید معیار ارزیابی قرار گیرد.

❖ هوش مصنوعی؛ رونق تجارت و تمرکز منافع

گسترش تجارت محصولات مرتبط با هوش مصنوعی به رشد مبادلات جهانی کمک کرده است، اما منافع حاصل از آن به‌طور نابرابر میان عوامل تولید توزیع می‌شود. آنکتاد در بررسی زنجیره ارزش یک رک سرور پیشرفته هوش مصنوعی نشان می‌دهد که سود پس از مالیات، ۶۸ درصد از ارزش افزوده رهگیری‌شده را تشکیل می‌دهد، درحالی‌که سهم دریافتی نیروی کار کمتر از ۱۵ درصد است. هرچند این یافته به یک نمونه مشخص مربوط است و نمی‌توان آن را به کل صنعت هوش مصنوعی تعمیم داد، اما نشان‌دهنده تمرکز بالای منافع اقتصادی در بخش‌هایی از زنجیره ارزش فناوری‌های پیشرفته است. بنابراین، افزایش صادرات محصولات فناورانه لزوماً به معنای توزیع گسترده درآمد یا ایجاد اشتغال باکیفیت در تمامی مراحل زنجیره تولید نیست.

❖ انرژی و تأمین مالی؛ فشار هم‌زمان بر اقتصادهای در حال توسعه

تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه و اختلال در مسیرهای تأمین انرژی، قیمت نفت برنت را در هفته‌های پس از آغاز درگیری از حدود ۷۰ دلار به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رساند. افزایش قیمت انرژی، با بالا بردن هزینه تولید، حمل‌ونقل و واردات، فشار مضاعفی بر اقتصادهای واردکننده سوخت و خانوارهای کم‌درآمد وارد کرد. این تحولات نشان می‌دهد که وابستگی به انرژی وارداتی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اقتصادی، می‌تواند آسیب‌پذیری کشورها را در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی افزایش دهد. البته آثار افزایش قیمت انرژی برای همه کشورها یکسان نیست؛ اقتصادهای صادرکننده نفت ممکن است از افزایش درآمد صادراتی بهره‌مند شوند، اما نوسان قیمت‌ها،

محدودیت‌های تجاری و مالی و افزایش هزینه برخی نهاده‌ها همچنان می‌تواند بر ثبات اقتصادی و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری آن‌ها اثر بگذارد.

هم‌زمان، بی‌ثباتی جریان‌های مالی بین‌المللی، توان کشورهای در حال توسعه برای مقابله با شوک‌های خارجی را محدود کرده است. به گزارش آنکتاب، نوسان جریان سرمایه پس از آغاز درگیری دو برابر شده و پیش‌بینی می‌شود کمک‌های رسمی توسعه‌ای در سال ۲۰۲۶ نزدیک به ۷ درصد کاهش یابد؛ کاهشی که در صورت تحقق، سومین سال متوالی افت این منابع خواهد بود. هم‌زمانی افزایش هزینه انرژی و محدودیت منابع مالی می‌تواند فضای سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را برای اقتصادهای آسیب‌پذیر تنگ‌تر کند.

❖ اقتصادهای نوظهور؛ درس‌های ژئواکونومیک برای ایران و اصفهان

تجربه اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهد که تقویت جایگاه کشورها در اقتصاد ژئواکونومیک، صرفاً به افزایش صادرات کالا محدود نیست؛ بلکه توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، خدمات مالی و همکاری‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند به ایجاد مزیت رقابتی کمک کند. به گزارش آنکتاب، هند توافقی‌هایی برای به‌اشتراک‌گذاری زیرساخت‌های عمومی دیجیتال با ۲۳ کشور منعقد کرده و برزیل نیز در مسیر گسترش کاربرد سامانه پرداخت فوری «Pix» در آمریکای جنوبی حرکت کرده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که کشورها می‌توانند با توسعه زیرساخت‌های مشترک و تسهیل مبادلات، پیوندهای اقتصادی خود را فراتر از تجارت سنتی کالا تقویت کنند.

برای ایران، این تحولات در شرایط محدودیت دسترسی به برخی بازارها، فناوری‌ها و خدمات مالی بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از منظر تحلیلی، تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی، تقویت مسیرهای مطمئن تأمین نهاده‌ها، تسهیل مبادلات مالی و پیوند سرمایه‌گذاری با انتقال فناوری و توسعه صنایع داخلی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری بنگاه‌ها کمک کند. تجربه اقتصادهای نوظهور همچنین نشان می‌دهد که بهره‌مندی از فرصت‌های جدید تجارت جهانی، بیش از صرف حضور در بازارها، به ظرفیت نهادی، زیرساختی و فناوری کشورها وابسته است. در استان اصفهان، با توجه به اهمیت صنایع تولیدی و صادراتی و محدودیت منابع آب و انرژی، اولویت راهبردی باید از افزایش صرف حجم تولید و صادرات به سمت ارتقای ارزش افزوده و بهره‌وری منابع تغییر کند. توسعه محصولات با فناوری و فرآوری بیشتر، افزایش ارزش اقتصادی صادرات به ازای هر واحد آب و انرژی مصرفی، تنوع‌بخشی به بازارهای مقصد و کاهش وابستگی به نهاده‌های حساس، از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های پیشنهادی است. برای تبدیل این جهت‌گیری‌ها به معیارهای قابل پایش، می‌توان شاخص‌هایی مانند ارزش افزوده تولید به ازای هر مترمکعب آب مصرفی، ارزش افزوده به ازای هر واحد انرژی و میزان وابستگی تولید به نهاده‌های وارداتی را در سطح صنایع منتخب استان محاسبه و مقایسه کرد. چنین شاخص‌هایی می‌توانند مبنایی برای شناسایی

فعالیت‌های اقتصادی با ارزش‌آفرینی بیشتر و آسیب‌پذیری کمتر فراهم کنند. در سطح بنگاه نیز پایش ریسک تأمین مواد اولیه، حمل‌ونقل و تسویه مالی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری تجاری کمک کند. این موارد، دلالت‌های سیاستی استخراج‌شده برای ایران و اصفهان هستند و نباید به‌عنوان توصیه‌های مستقیم آنکتاب به استان تلقی شوند.

❖ جمع‌بندی؛ از حجم تجارت تا سهم از ارزش

گزارش تجارت و توسعه ۲۰۲۶ آنکتاب نشان می‌دهد که رشد تجارت جهانی، به‌تنهایی تضمین‌کننده گسترش فرصت‌های توسعه نیست؛ زیرا منافع آن به‌طور یکسان میان کشورها توزیع نمی‌شود. در نظم ژئواکونومیک جدید، بهره‌مندی از تجارت بیش از گذشته به توان تولیدی و فناوریانه، دسترسی به سرمایه، تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین و ظرفیت کشورها برای کسب سهم بیشتر از ارزش افزوده وابسته است. تجربه اقتصادهای آسیایی نیز نشان می‌دهد که تغییر مسیر جریان‌های تجاری زمانی به فرصت توسعه تبدیل می‌شود که با ظرفیت صنعتی، زیرساخت‌های مناسب و پیوندهای اقتصادی پایدار همراه باشد.

برای ایران و به‌ویژه استان اصفهان، دلالت اصلی این تحولات، ضرورت عبور از تمرکز صرف بر حجم تولید و صادرات به سمت افزایش ارزش افزوده، ارتقای بهره‌وری آب و انرژی، تنوع‌بخشی به بازارها و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره‌های تأمین است. در چنین شرایطی، معیار موفقیت اقتصادی نه صرفاً میزان تجارت، بلکه سهمی است که از ارزش ایجادشده نصیب اقتصاد داخلی می‌شود.